

گشت و گذار بی خیال در دنیای حیوانی ترانه‌ای

اکرم کشائی



عنوان کتاب: حیوانی ترانه‌ای
شاعر: داود لطف الله
تصویرگر: محمود مختاری
ناشر: مدرسه
نوبت چاپ: اول ۱۳۸۸
شمارگان: ۵۵۰۰ نسخه
تعداد صفحات: ۲۲ صفحه
بها: ۱۲۵۰ تومان

کتاب «حیوانی ترانه‌ای» مجموعه شعری از داود لطف الله... شامل ۶ چارپاره و ۳ مثنوی برای گروه سنی «ب» و «ج» است. همان‌طور که از اسم مجموعه برمی‌آید، هر چارپاره به یک حیوان اختصاص داده شده است. در این اشعار، عنصر عاطفه اصلی‌ترین نقش را در تبدیل زبان قراردادی به زبان شعر بر عهده دارد. شاعر از طریق بیان توصیفی و روایی اشعار، به کمک عنصر عاطفه، می‌کوشد در روح کودک نفوذ کند و تأثیر خود را بگذارد.

احساس همدردی و دلسوزی برای الاغی که مجبور است بارهای سنگین حمل کند، ترس و هراس گنجشکی که باید از دست گربه فرار کند و همذات‌پنداری کودک با گنجشک، غم خوردن برای کلاغ سیاهی که کسی او را دوست ندارد، اندوه برای ماهی گرفتار در تنگ و... در شعرهای این کتاب به چشم می‌خورد. در تمامی این اشعار، شاعر می‌کوشد با تکیه بر عنصر عاطفه و غلیان احساسات کودک، او را با شعر خود همراه سازد و زمینه همذات‌پنداری را فراهم کند. اما سؤال این‌جاست که آیا این عاطفه، به تنهایی پنجره جدیدی به روی کودک می‌گشاید؟ ظاهراً شاعر در فضای کودک قدم برداشته، اما همان قدم‌های تکراری قبلی را، سوژه‌های بکر و متفاوتی دیده نمی‌شود. «مورچه» هنوز هم فقط زحمت‌کش و باربر است و انگار جز این نمی‌تواند باشد و یا چیزهای دیگری برای تماشا وجود ندارد. گربه به دنبال گنجشک است، ماهی در تنگ اسیر است و...

هر چند شاعر کودک باید از اشیاء، طبیعت، مکان‌ها و زمان‌های دم‌دستی و سهل‌الوصول برای شعر کودک استفاده کند، باید نوع نگاهش را تغییر دهد و لنز دوربین چشم‌هایش را کمی بچرخاند و در برابر چشمان کودک، دست به کشف و شهود بزند؛ کشف و شهودی کودکانه. مسلم است که حرکت شاعر در بین این حیوانات ترانه‌ای، یک گشت و گذار خیال‌پردازانه نبوده است.

و اما در این مجموعه، نمونه‌های زیبایی از «مفاخره» را می‌توان در اشعار «فرار» و «پلنگ زرنگ» مشاهده کرد. در این اشعار، به ترتیب گنجشک و پلنگ، در نقش راوی و البته با زبانی کودکانه، محاسن و ویژگی‌های خود را برمی‌شمارند:

پلنگم و قشنگم / خیلی زبر و زرنگم / با دندونای تیزم / با حیوونا می جنگم / نگاه بکن به عکسم /
خال خالیه تن من / از هیکل بزرگم / می ترسه دشمن من... (شعر پلنگ زرنگ، ص ۱۲)

و یا در شعر گنجشک (ص ۸):

گنجشک کوچیکم من / عاشق جیک جیکم من / پر می‌زنم هر طرف / تو دشت و باغ روی علف /
نوک می‌زنم به دونه / می‌بارمش تو لونه /...

این توضیحات که در جهت معرفی این حیوانات به کودکان است، باعث می‌شود بخشی از جهان واقعی کودک ساخته شود؛ هر چند باز هم شاعر جایی برای تخیل باقی نگذاشته، حداقل در معرفی اجمالی این حیوانات موفق بوده است.

علی‌رغم این که قرار نیست در شعر کودک، از تصاویر پیچیده خیال‌انگیز و تخیل صرف استفاده شود، جای بعضی از آرایه‌های ساده مناسب این گروه سنی، مثل تشبیه که موجبات فاصله گرفته از نظم و نزدیک شدن به شعر را فراهم می‌کند، خالی به نظر می‌رسد.

گذرگاه کوتاه، اما حساس

هم می‌دانیم که نوشتن برای کودک، یعنی پا گذاشتن به گذرگاه کوتاه، اما حساس و تعیین‌کننده. چه بسا دیده‌ها و شنیده‌ها و خواندنی‌هایی که هنوز از زمان کودکی در ما باقی مانده و رسوب کرده؛ دیده‌ها و شنیده‌ها و احساساتی که پایه بسیاری از افکار و رفتارهای ما در بزرگسالی هستند. کودک با شخصیت داستان و شعر همذات‌پنداری می‌کند، با احساسات او همراه می‌شود، در درون با او گریه می‌کند، با او می‌خندد و با او نتیجه می‌گیرد. اشکال مهمی که به شعر بی‌گناه وارد است، دقیقاً به همین مسئله مربوط می‌شود؛ داستان زندگی کلاغ که شاعر آن را در ۳ بند چارپاره گنجانده است:

منو که می‌شناسی / کلاغ پر سیاهم / کسی دوسم نداره / با این که بی‌گناهم

نه مثل یک قناری / نه قاصد بهارم / انگار که من پاییز رو / یاد شما می‌آرم

اگر صدام قشنگ نیست / اگر که خیلی زشتم / تقصیر من نبوده / همین سرنوشتم

کلاغ سیاه بی‌گناهی که کسی دوستش ندارد، تنها یادآور پاییز است. صدایش هم مثل قناری قشنگ نیست، خیلی زشت است! این کلاغ محکوم به سرنوشتی شده که برایش رقم خورده؛ آن هم با همه بی‌گناهی‌اش! حال، کودکی را تصور کنید که نسبت به همسالان خود اعتماد به نفس کم‌تری دارد؛ مثلاً به این علت که احساس می‌کند زشت‌تر از بقیه است. خواندن شعر به او می‌فهماند که همه این‌ها کار خداست و اصلاً سرنوشت او همین بوده؛ حتی شاید این نتیجه‌گیری سال‌ها بعد اتفاق بیفتد. مسئله همذات‌پنداری و ارتباط حسی کودک با عناصر و اجزای طبیعت، نکته بسیار مهمی است که نباید به راحتی از کنار آن گذشت.

شاعر این مجموعه، گاهی با استفاده از شگردهای کلامی مثل تکرار (پرپر و پر: شهد گلا رو می‌گیره / پرپر و پر هوا می‌ره) «یک کار شیرین - ص ۴»، «عجب عجب: عجب عجب میمونی / چه میمون شیطونی» «شعر شیطنت، صفحه ۱۷»، «آروم آروم: تو کندو آروم آروم / عسل می‌سازه و موم» «شعر کار شیرین - ص ۴»، زبان این اشعار، از زبان کودکانه زیاد فاصله نگرفته و باید گفت این مجموعه، از نظر دایره واژگان زیاد غنی نیست.

به عنوان مثال، در سه شعر جداگانه از این مجموعه، یک مصراع عیناً تکرار شده است: «این‌ور و اون‌ور می‌ره» در شعرهای «دلسوزی»، «شیطنت» و «کار». گاهی نیز از نظر زبانی، ضعف‌ها و نارسایی‌هایی دیده می‌شود؛ مثلاً در شعر پلنگ زرد، ص ۱۲:

تند و سریع راه می‌رم

حیوونا رو می‌گیرم

اما الان نشستم

چون که حسابی سیرم

بی‌شک منظور شاعر از «راه رفتن» «دویدن» بوده است؛ چرا که پلنگ با «راه رفتن» شکار نمی‌کند.

در این‌جا استفاده نادرست از فعل شده است.

یا در شعر شیطنت، ص ۱۷:

پایین و بالا می‌ره

روی درختان می‌ره

از شاخه‌ها می‌گیره

این‌ور و اون‌ور می‌ره

که در این‌جا به اشتباه، به جای «شاخه‌ها رو می‌گیره»، از شاخه‌ها می‌گیره آمده است.

یا در شعر فرار، ص ۸: رو شاخه‌ها می‌شینم / بارون رو خوب می‌بینم.

منظور شاعر از «باران را دیدن»، تماشای باران بوده است که به نظر می‌رسد در بیان منظور خود موفق نبوده. ضعف قافیه نیز

گاهی در ادبیات به چشم می‌خورد؛ مثل هم‌قافیه شدن «گره» با «که»:

امان از آن روزی که / منو ببینه گره (شعر فرار، ص ۸)

یا هم قافیه شدن «خورنده» با «می‌زنه»: عاشق موز خورنده / دو لُپی گاز می‌زنه (شعر شیطنت، ص ۱۷)

تصاویر کتاب، تخت و فاقد بُعد بوده و رنگ‌های به کار رفته در آن‌ها مات است. کودکان به جزئیات موجود در تصاویر توجه ویژه‌ای دارند و وجود همین جزئیات، باعث پرورش قوه تخیل کودک می‌شود. شاید اگر تصاویر همراه جزئیات بیشتری می‌آمدند، بار تخیل آن‌ها بیشتر می‌شد، اما در کل حس موجود در هر یک از چهره‌ها، به خوبی به کودک منتقل می‌شود و کودک غم، خشم، شادی و هیجان موجود در چهره‌ها را به خوبی حس می‌کند.

